

توفان

الکترونیکی

فروردین ماه ۱۳۸۷ آوریل ۲۰۰۸ شماره ۲۰

نشریه الکترونیکی حزب کارایران

toufan@toufan.org

www.toufan.org

شاد باش نوروزی حزب کارایران (توفان)

با امید و نشاط به استقبال نوروز رویم

ص ۳



در این شماره می خوانید:

- ماهی از سر می گنجد (درحاشیه بازداشت رئیس انتظامی تهران) ص ۲ و ۳
- نامه سه دانشجوی زندانی بمناسبت سال نو ص ۴
- اعلام اعتصاب غذای محمود صالحی در زندان ص ۷
- قطعنامه غیرقانونی شورای امنیت علیه ایران را محکوم میکنیم ص ۶
- آغاز فروپاشی سوسیالیسم درشوروی ص ۱۰ و ۱۱
- اوضاع وخیم معیشتی و رشد و اعتراضات کارگری ص ۱۲
- گزارش کوتاهی از تظاهراتهای جهانی ضد جنگ ص ۸



تصویری از فریاد چهل هزار تظاهر کننده در لندن:
خروج فوری نیروهای متجاوز از عراق و افغانستان!

ماهی از سر می‌گردد

اجرای نماز جماعت با زنان برهنه

واعظان کین جلوه در محراب و منبر می‌کنند

چون به خلوت می‌روند آن‌ها کاربرگ می‌کنند

آقای زارعی عنصر شناخته شده و دارای ارتباطات نزدیک با بالا نیهاست. با قاضی سعید مرتضوی دوستی نزدیکی دارد. وی تا کنون خدمات شایان توجه ای به مافیای در قدرت کرده است. اما علت بازداشت زارعی و بی‌مهری نسبت به وی را باید زیاده روی بی حد و حصری در فساد و از سوپی فشار افکار عمومی و نارضایتی گسترده مردم تهران نسبت به او و حامیان او دانست. دیگر بیش از این برای دستگاه رهبری سکوت جایز نبود و می‌بایست حفظ ظاهر را مراعات می‌نمود. لیکن امثال سردار زارعی‌ها در رژیم کم نیستند و این اولین بار نیست که فردی در مقام عالی رتبه چنین عمل کرده است. بزدهای کلان مالی در بنیاد های رنگارنگ اسلامی، دزدی ۱۲۳ میلیارد تومانی محسن رفیق دوست، قتل‌های زنجیره ای و آلوده بودن بالاترین مقامات سیاسی قضایی به شکنجه و ترور مخالفین، فساد و پارتی بازی حتا در عرصه ورزشی بویژه فوتبال و... از جمله مسائلی هستند که در هر یک از این شاخه‌ها می‌توان نام دهها نفر را لیست کرد و زشتی اعمال آنها را به نقد کشید. بقول معروف ماهی از سر می‌گردد. جمهوری اسلامی از سرگندیده است و فساد و دزدی، ریا کاری و دروغ، فحشاء و انحرافات اخلاقی از ارکان اصلی این نظام است. رژیم جمهوری اسلامی در سازمان دادن عشرتکده‌های اسلامی از طریق عمال دست پرورده خود زیر لوای ایجاد مسکن حمایت از دختران فراری صفحه دیگری بر جنایات ۲۹ ساله خود افزوده است. نمونه دیگری از همین نوع ناهنجاریها ی که آسیب پذیری مردم را شدت بخشیده، پدیده گسترش بی سابقه فحشاء در اثر فقر در سطح کشور است. این امر باعث گردیده که رژیم اسلامی از این فرصت هم غافل نماند و دست پروردگان این رژیم خرید و فروش دختران نوجوان را برای کسب سودهای کلان بطور غیر رسمی دامن زده از آن بهره بگیرند. صدور دختران جوان به دویی و انحصار این تجارت پر سود در دستان آشکار و پنهان باندهای مرتبط با نظام جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی که خود مسبب فساد و انحرافات اخلاقی در جامعه است هر از گاهی برای زهر چشم گرفتن از مردم با اقدات جنون آمیزی نظیر به دار آویختن افراد بیگناه در ملاء عام و سرکوب و تحقیر جوانان و زنان به ارباب مردم می‌پردازد. همه اینها در قالب مبارزه با مفاسد اجتماعی صورت

خیر بازداشت سردار رضا زارعی، فرمانده نیروی انتظامی استان تهران در یک خانه فساد همراه با ۶ زن برهنه و برکناری وی از پست ریاست پلیس تهران بازتاب محدودی در رسانه های خیری جمهوری اسلامی داشته است.

رضا زارعی یکی از یاران نزدیک قاضی سعید مرتضوی است. او مسئول اجرای طرح مقابله با "اراذل و اوباش" و یکی از مجریان اصلی طرح "امنیت اجتماعی" و سرکوب زنان و جوانان بوده است. زارعی بعنوان رئیس انتظامی تهران در مصاحبه ای پیرامون طرح "امنیت اجتماعی" و مبارزه "با اراذل و اوباش" که در اردیبهشت ۸۶ صورت گرفت، چنین بیان داشت:

"از آغاز طرح ارتقای امنیت اجتماعی در سطح استان تهران نیروی انتظامی بیش از ۳۵ هزار نفر را مورد ارشاد و تذکر قرار داده است (بخوانید ضرب و شتم و توهین- توفان). در همین خصوص هزار نفر به نیروی انتظامی احضار شدند. در ۵۲ روز ابتدای سال به ۷ هزار و ۹۳۳ نفر از اراذل و اوباش تذکر داده شد و ۴ هزار نفر از آنان دستگیر شدند و در مجموع هزار و ۱۰۱ پرونده در این زمینه در مراجع قضایی تشکیل شد."

همین آقا که اینچنین وقیحانه به سرکوب زنان بد حجاب در قالب طرح امنیت اجتماعی می‌پردازد و با آویزان کردن آفتابه به گردن جوانان و گرداندن آنها در کوچه و بازار مردم را به اخلاقیات پاک اسلامی دعوت میکند خود نیز بعنوان یکی از مسئولان عالی رتبه در مقام رئیس پلیس استان تهران زنان را در خانه ای به صف کشیده تا بصورت برهنه در مقابل چشمان از حدقه در آمده او نماز جماعت بخوانند. وی که از مذهب و نماز و روزه بعنوان ابزاری برای ثروت اندوزی و نفوذ سیاسی در جامعه بهره می‌جوید به روشنی نشان داد که پشت هر تبلیغات مذهبی و اخلاقی منافع طبقاتی پنهان است و عملکرد جمهوری اسلامی در خلال سه دهه اخیر چیزی جز این نبوده است.

اینکه آقای زارعی هر شش زن را بطور "مشروع" به صیغه خود در آورده و عمل "قانونی و شرعی" انجام داده است، بر ما معلوم نیست. اما تا همین حد می‌دانیم که آقای جمشیدی سخنگوی قوه قضائیه سریعاً اعلام داشته که فرمانده نیروی انتظامی با قرار وثیقه آزاد گردید و این پرونده کاملاً محرمانه است. رئیس پلیس تهران

میگیرد. حال باید منتظر بود و دید که مجازات سردار زارعی فرمانده نیروی انتظامی تهران که در خانه فساد با ۶ زن بازداشت گردید تا چه اندازه ای است. آیا حکم ۱۵۰ ضربه شلاق در ملاء عام شامل حال ایشان میشود؟ آیا سخنی از اعدام در ملاء عام برای درس عبرت دادن به مقامات بالایی خواهد رفت؟ یا اینکه ایشان بعد از چندی با پارتی بازی و پا درمیانی قاضی مرتضوی و شرکاء به پست اسم و رسم دار دیگری به انجام وظیفه خواهد پرداخت؟

یک چیز روشن است. فساد اخلاقی و دزدی و کلاهبرداری در نزد اغنیاء و صاحبان قدرت همواره بی صدا بوده است و این فقط شامل حال نظام جمهوری اسلامی نیست. در پیشرفته ترین ممالک سرمایه داری نیز لولای درب به همین صورت می چرخد. انحرافات اخلاقی و فساد در مقامات بالایی که هراز گاهی افشا میگردد با توجیحات سیاسی و ارتباطات متعارف... ماستمالی گشته و تو گویی اساساً اتفاقی رخ نداده و بعد از چندی با فروکش کردن گرد و خاکها همین خانها و آقایان به پست های بالاتری ارتقاء می یابند. این است رسم نظام طبقاتی سرمایه داری چه در پوشش اسلامی و یا مسیحی.

باید به افشاگری بی امان علیه این اراذل و اوباش که زندگی را بر میلیونها مردم تلخ کرده اند ادامه داد و خواست محاکمه علنی سردار زارعی و دار و دسته او را طلب کنیم و این امر را به پرچمی علیه رژیم جمهوری اسلامی مسبب همه مفاسد اجتماعی که اینچنین افراد فاسد و شرور و بی وجدانی را به عنوان فرمانده انتظامات به جان زنان و مردان تهران می اندازد تبدیل نمائیم. مبارزه با مفاسد اجتماعی و انحرافات اخلاقی جدا از مبارزه با جمهوری اسلامی مسبب اصلی ناهنجاریهای اجتماعی ایران نیست. برای خشکاندن ریشه فساد اجتماعی نیاز به رژیمی داریم که شایستگی و رسالت این مبارزه را دارا باشد. رژیمی که منتخب اکثریت مردم است و از منافع عموم زحمتکشان حمایت میکند. چنین رژیمی فقط از سرپنجه کارگران و زحمتکشان ایران طلوع خواهد کرد و جز این نیز نخواهد بود.

.....

شاد باش نوروزی حزب کار ایران (توفان)

با امید و نشاط به استقبال نوروز رویم

بار دیگر نوروز این سنت ملی و باستانی ما فرا میرسد. نوروزی که با نشاط و امید همراه است و مردم میکوشند همانند طبیعت جامه نو بر تن کنند و خود را با آن هماهنگ سازند. امسال نیز در شرایطی به استقبال نوروز می رویم که بخش اعظم مردم زحمتکش ایران در اثر گرانی کمرشکن و وضعیت اسفناک اقتصادی قدرت خرید و نو نوار کردن ندارند و عید را بر سر سفره خالی برگزار میکنند و نوروزشان همانند هر روزشان است.

سالی که گذشت سال پیشروی در فقر و شکاف عمیق طبقاتی بود. آمارهای خود رژیم جمهوری اسلامی به روشنی نشان میدهند که اکثریت مردم ایران زیر خط فقر بسر می برند و تورم و ناامنی اقتصادی همچنان سیر صعودی طی میکنند. زندگی مزدبگیران و زحمتکشان نسبت به سال گذشته وخیم تر گشته است و مردم امید و روشنائی به بهبودی وضعیت خود در چهارچوب نظام جمهوری اسلامی نمی بینند و چاره ای جز تشدید مبارزه علیه زالوصفتان حاکم ندارند. اگرچه در سالی که گذشت در فقر و گرانی و رشوه و فساد اداری پیشروی داشتیم لیکن در پیکار علیه سرکوبگریهای وحشیانه و ناهنجاریهای اقتصادی و اجتماعی نیز پیشروی و ترقی داشته ایم. در سال گذشته مبارزه خستگی ناپذیر و سراسری دانشجویان ایران چشمگیر بود. این مبارزات فقط محدود به یک و یا چند دانشگاه نبود. دانشجویان در سراسر دانشگاههای ایران از شیراز گرفته تا تبریز، تهران، گرگان، اصفهان، مشهد، بابل و بابلسر... بی باکانه پرچم مبارزه علیه استبداد سیاه قرون وسطایی و گراز های نیروی انتظامی و بسیجی را برافراشته و با شعار دانشگاه پادگان نیست و آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی، رژیم را به چالش کشیدند. شرکت وسیع دختران دانشجو در ایران اعتراضات چشمگیر بود. در سالی که گذشت پیکار زنان ایران، معلمان، کارگران و روشنفکران ترقی خواه علیه جمهوری اسلامی در اشکال مختلف ادامه یافته و رژیم را سخت به تکاپو انداخته است.

دولت احمدی نژاد که با دروغ و ریا و تقلب و با وعده رنگین کردن سفره زحمتکشان توسط پول نفت به قدرت رسید، پاسخ نان، مسکن، آزادی و عدالت اجتماعی را با زندان و شکنجه و اعدام داد. لیکن علیرغم همه این بگیر و ببندها مبارزات مردم مصمم تر ادامه یافت. اعمال جنون آمیز جمهوری اسلامی نظیر شلاق زدن کارگران در ملاء عام، صدور حکم اعدام در مورد مخالفین و ضرب و شتم زنان اینها همه ناشی از ضعف و استیصال اوست که خود را در مقابل جنبش آزادیخواهان مردم ناتوان می بیند و برای پیشگیری از آن به هر جنایتی دست می یازد. ادامه در صفحه بعد

تحریم گسترده انتخابات تقلبی مجلس هشتم شورای اسلامی توسط مردم نه بزرگی بود به رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی که بیشرمانه کوشید با این نمایش مضحک مشروعیت جهانی کسب نماید. دولت احمدی نژاد از سویی تلاش بس عبث نموده تا از حق قانونی و مسلم انرژری هسته ای مردم ایران و از اقدامات غیر قانونی شورای امنیت و تهدیدات امپریالیستی سوء استفاده کرده و در جهت تشدید سرکوب و خفقان داخلی بکار گیرد. رژیم جمهوری اسلامی حق آزادی بیان و حقوق کارگران و زنان را حق و حقوق مسلم مردم ایران نمی داند و با سرکوب و دامن زدن به نارضایتی عمومی به توطئه های امپریالیستی و صهیونیستی و دخالت نیروهای استعماری در ایران میدان میدهد.

حزب کار ایران (توفان) در آستانه نوروز ۱۳۸۷ فرصت را مغتنم شمرده به همه کارگران، به همه زحمتکشان، به همه فرهنگیان، به همه دانشجویان، به همه خلقهای ایران، به همه زنان مبارز ایران، به همه خانواده های جانبختگان راه آزادی، به زندانیان سیاسی که پرچم مبارزه را در بیغوله ها و شکنجه گاههای رژیم بر افراشته اند و به همه کسانی که در راه آزادی و سعادت ستمدیدگان میروزمند شاد باش می گوید و برایشان در پیکار علیه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی پیروزی آرزومند است. با امید و نشاط به استقبال نوروز رویم. به امید فراز آمدن نوروز مردم ایران.

نوروزتان پیروز باد!

مرگ بر رژیم ضد شادی و ضد نوروز جمهوری اسلامی!

زنده باد سوسیالیسم این پرچم نجات بشریت!

دست امپریالیستها از ایران و منطقه کوتاه باد!

حزب کار ایران (توفان)

اسفند ۱۳۸۶



سه دانشجوی مبارز دانشگاه امیر کبیر، احسان منصوری، مجید توکلی و احمد قصابان که قرار بود با وجود تودیع وثیقه ۸۰ میلیون تومانی از زندان آزاد گردند هنوز در چنگال آدمکشان جمهوری اسلامی گرفتارند و رییس قوه قضائیه از پاسخ به نامه های مکرر خانواده های این سه دانشجو برای آزادی فرزندان سر باز میزند.

مادران ۸ دانشجویی دربند، احسان منصوری، احمد قصابان، مجید توکلی، صباح نصری، هدایت غزالی، سعید فیض الله زاده، ابوالفضل جهاندار و سعید درخشندگی در اعتراض به زورگوییهای رژیم جمهوری اسلامی و در همبستگی با فرزندان دربندشان سفره هفت سین خود را در مقابل زندان اوین پهن کردند و با عزمی راسخ به استقبال نوروز و سال جدید رفتند. سالی نوید بخش و پیکاری مشترک علیه زالو صفتان جمهوری اسلامی برای رهایی همه زندانیان سیاسی. درود ما به دانشجویان دربند و مادران مبارز!

نامه سه دانشجوی زندانی، احسان منصوری، مجید توکلی و احمد قصابان از زندان اوین بمناسبت سال نو را که اخیرا انتشار یافته است در زیر ملاحظه میفرمائید.

نامه دانشجویان زندانی به مناسبت سال نو

فرا رسیدن عید خجسته و سراسر سرور نوروز ایرانیان و تحلیل روزهای سرد زمستان و ایام پرنشاط بهار و تعویض پوشش عربان و سرد زمستانی به جامعه شکوفه و گل و طالب نور بهاری بر پیکر طبیعت، طبع آدمی را به حسن و کلام آدمی را به طرب میکشاند تا شادباش نوروز حامل تازگی باشد و طراوت ببخشد و از سنت ایرانیان تقدیر یکساله را از چند صباح آغازین حاصل نماید و به همنشینی و همصحبتی، همدلی رقم زند و امید پیروزی و موفقیت را با درکنار هم بودن معنا بخشد و از تلخی ها و سختی های دیروز در حلاوت بخشیدن به فردا بهره برد. ادامه در صفحه بعد

جامعه ایران در سال ۸۶ ایام تلخی را سپری کرد، سالی که بر آزادی و دموکراسی بسیار جفا رفت، اخراج اساتید و دانشجویان از دانشگاه، توقیف روزنامه‌ها و نشریات، جمع‌آوری کتب از کتابخانه‌ها، پر شدن زندانها از آزاداندیشان، تبعید اندیشمندان، سانسور شدید رسانه‌ای، تبدیل رسانه ملی به مونولوگ حاکمیت، تاخت و تاز خردسبیزان در ساحت علم و دانش، حریم دانشگاه، محدودیت ظرفیت دموکراسی و سرکوب نهادهای مدنی در ایران، افزایش قدرت انحصارطلبان اقتدارگرایان در حاکمیت، استقبال حاکمان از جنگ و جنگ افروزی، افزایش تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی، نابسامانی اوضاع اقتصادی، دامنه دار شدن فقر و شرایط بد معیشتی مردم، شدت یافتن فساد و تبیعض ساختار بیمار حاکمیت تهدیدات فراوانی را متوجه جامعه در حال گذار ما ساخت و با گوشزد کردن خطر سقوط اخلاق، شواهدی از فروپاشی اجتماعی و اقتصادی را بیان مینماید، که بی تردید ایران را در آستانه وضعیت بحرانی قرار داده است.

سال ۸۶ بر حقوق انسانی چنان سخت گرفته شد که سخن از حقوق بشر نیز خطر بسیاری میطلبد، صدور احکام اعدام فراوان و فشارهای بی سابقه بر فعالان زن و سرکوب فعالان اقلیتهای قومی و دینی به بهانه‌های واهی تنها گوشه‌ای از امور غیراخلاقی و غیرانسانی صورت گرفته بود. سال ۸۶ همچنین سال تلخی برای قانونگرایی بود، سالی که حاکمیت سلاطین در دانشگاه حرمت دانشگاه و احترام دانشگاهیان را شکست، به تفسیری از قانون، امنیت حریم شهر را اسیر تاخت و تاز خشونت طلبان ساخت و بازداشتها قدم در وهن قانون برداشت و احکام دستگاه قضا نمایان عدم استقلال و اقتدار قضات و فقدان عدل قضاوت بود و پایان سال نیز با انتصاباتی در نهاد قانونگذار و بی حرمتی به قانون حکایت از کینه و عداوت با قانونگرایی داشت.

لیکن افزایش شدت و سختی بر جنبش دانشجویی بر پختگی ایشان افزود و جریانی که بیش از هر چه به افزایش آگاهی و دانش اندوزی احتیاج داشت در فرصت مناسبی قرار گرفت، فشارها بر تشکلهای دانشجویی در سال ۸۶ چنان بی سابقه بود که استمرار حیات فعالیت این تشکلهای در دانشگاهها، پیروزی فعالان دانشجویی و بهترین پاسخ به تمامیت خواهان و انحصار طلبان حاکمیت بود، احضارها، تعلیق‌ها، ممنوعیت ورود و بازداشت‌های بیشمار دانشجویان در سال ۸۶ از همان ابتدای سال چنان پرمایه و جدی آغاز گردید که حاکی از خشم و عصبانیت فراوان حاکمیت جمهوری اسلامی از دانشجویان بود.

بازداشت‌های دسته جمعی دانشگاههای مازندران، پلی تکنیک، دفتر تحکیم وحدت، ادوار تحکیم در نیمه نخست سال و بازداشت‌های متعدد فصل پاییز دانشگاههای سراسر کشور تا بازداشت دسته جمعی دانشجویان تهران در اواسط آذرماه و اواخر دیماه و بازداشت‌های اسفندماه دانشگاههای شاهرود و شیراز گوشه‌ای از بیش از ۲۰۰ مورد بازداشت دانشجویی سال ۸۶ بود که اندک تلخکامی اش به درایت فعالان دانشجویی حلاوت را در امور بعدی جنبش دانشجویی به بار آورد. گرچه برخوردهای بسیار شدید و رفتارهای غیرانسانی و غیراخلاقی در مورد بازداشت شدگان پلی تکنیک در اردیبهشت و خرداد ۸۶ و تعدادی از بازداشت شدگان آذرماه چون سعید حبیبی، بهروز کریمی زاده و پیمان پیران صورت گرفت، لیکن حمایت‌های فراوان جنبش دانشجویی از بازداشت شدگان و افشای شکنجه‌ها و فشارهای فراوان بند امنیتی ۲۰۹ مانع از بروز اینچنین رفتارهایی با عموم دانشجویان شد که بی تردید از مهمترین دست آوردهای سال ۸۶ جنبش دانشجویی، علیرغم خواست دمنشانه عده‌ای خاص در سرکوب دانشجویان، حد و تعدیل برخوردها و بازداشت شدگان و آزادی اکثر دانشجویان در بند بوده است که امید است با استمرار حمایتها و پافشاریهای دانشجویان وضعیت مطلوبتری نیز حاصل گردد. جنبش دانشجویی سال ۸۶ همچنین شاهد فعالیتها، شعارها و رفتارهای جدیدی در کنار آرمانها و شعارهای اخیر جنبش دانشجویی بود که گستردگی و هدفمندی آن در دانشگاههای مختلف بسیار نویدبخش بود و علیرغم برخوردهای غیرعقلانی و غیرانسانی بیشمار دستگاه حاکم توانست با استقامت خویش پوچی هدف ترکه بیداد آزادی ستیزان و خردگریزان را نشان داده و نوید موفقیت دانشجویان را در سال آینده دهد. موفقیتی که بی تردید در گرو همنشینی و همصحبیتی‌های بیشتر گروههای مختلف دانشجویی در جهت حصول و همدلی عموم دانشجویان در حرکت به سمت آرمانها و اهداف جنبش دانشجویی می باشد. بنابراین امید است با تامل و همراهی دانشجویان با چشمانی نقاد و ذهنی نقاد. سال نیکوتری بر جنبش دانشجویی رود. همراهی و حرکتی که همراه شدنش با نغدهای عالمانه و منصفانه و با بستن راه سوء استفاده دشمنان علم و دانشگاه مسیری معقول خواهد پیمود.

امید است زیبایی بهار و طروت نوشدن، در سال هزار و سیصد و هشتاد و هفت بر نسل نویی از جامعه ما باب همتی را بگشاید تا دانشجویان بر وظیفه اصلی خویش که همانا آگاهی بخشی است فعل تحقق بنشانند تا در مسیر تامین امنیت و رفاه و تمامیت ارضی در لوای آزادی، دموکراسی، قانونگرایی و حقوق بشر طراوت و زیبایی را به جامعه ایران ارزانی دارند و این حال و هوای بهاری را بامید تحویلی بهاری و استقرار زیبایی در طول سال تعقیب نمایند در پایان نیز به نوبه خود آغاز سال ۱۳۸۷ هجری شمسی را به عموم ملت ایران به ویژه دانشجویان و آزادیخواهان تبریک میگوییم.

به امید موفقیت و پیروزی - زندان اوین

احسان منصوری

مجید توکلی

احمد قصابیان

آزادی فوری و بی قید و شرط دانشجویان در بند و همه زندانیان سیاسی!

قطعنامه سوم شورای امنیت در مورد تحریم اقتصادی ایران را قویا محکوم میکنیم

قطعنامه سوم در مورد تحریم ایران در شورای امنیت سازمان ملل که یک مرجع زورگویی جهانی و باج خواهی از ممالک جهان شده است با امتناع اندونزی به تصویب رسید. قطعنامه باید در چند روز قبل مطرح می شد ولی با فشار آمریکا برای اینکه سایر ممالک را تحت فشار بگذارند و رای آنها را به کف آورند مرتبا به تاخیر می افتاد. آمریکا ناچار شد به روسیه و چین باج فراوان بدهد تا نظر آنها را نسبت به تصویب قطعنامه ایکه بهر صورت مفاد آنها که در عمل قبل از تصویب قطعنامه اجراء می کردند، جلب کند. آمریکا کشورهای آفریقای جنوبی، لیبی، ویتنام و اندونزی را که مخالف تصویب قطعنامه بودند بشدت تحت فشار قرار داد تا بتواند نظر هر ۱۵ عضو شورای امنیت را برای خودش تامین نماید. همین که اندونزی حاضر نشد با قطعنامه موافقت کند شکست سیاسی مهمی برای آمریکا محسوب می شود. سازمان بین المللی انرژی هسته ای و سازمانهای جاسوسی نتوانسته اند در ایران به بمب اتمی دست پیدا کنند و یا اسنادی ارائه دهند که در تائید نظریات آنها باشد، این است که به برنامه موشکی ایران چسبیده اند و در پی سند سازی جدیدند. البرادعی مدعی است که ایران موشکهائی می سازد که توان حمل کلاهکهای اتمی را دارند و در مقابل ایران که باین اتهام اعتراض می کند مدعی می شود که اگر چنین نیست همه ناموس تسلیحاتی خویش را در اختیار ما بگذارید تا مطمئن شویم؟! استدلال مسخره و شگفت آوری است. مقتری باید اتهام خود را ثابت کند و نه متهم. آقای سیمون اسمیت نماینده بریتانیا در آژانس بین المللی انرژی هسته ای پس از نشان دادن اسلایدهای جعلی که ما نمونه آنها در مورد عراق دیده ایم مدعی شد که "تاریخ بعضی از این اسلایدها حاکی از ادامه برنامه هسته ای تسلیحاتی ایران پس از سال ۲۰۰۳ میلادی است". ولی آقای اسمیت که این همه دقت بکار می برد روشن نکرد که کدام اسلایدها مربوط به کدام سال است. همین اقا پس از انتشار اسناد سازمانهای جاسوسی و امنیتی آمریکا در مورد فقدان فعالیتهای اتمی در ایران با علم غیب مدعی شده بود: "ایران احتمالا برنامه ساخت بمب اتمی را بعد از سال ۲۰۰۳ ادامه داده است". حال آنکه می توان احتمالا گفت که همه اراجیف آقای اسمیت احتمالا بی ربط است و ایشان عقل خویش را احتمالا بعد از سال ۲۰۰۳ از دست داده اند. ظاهرا یک دیپلمات زن که از ترس نخواست نامش فاش شود به خبرگزاری رویتر گفت: "برخی اسناد مربوط به بعد از سال ۲۰۰۴ است که در آن ایران متهم است فعالیتهای ساخت سلاح اتمی را دنبال کرده است... این موضوع روشن نیست تا زمانی که بر روی آن کار شود".

امپریالیستها همه نظام حقوقی جهان را واژگونه کرده اند. طبیعتا اگر ایران موشکهائی بسازد که قصد حمل ماهواره به مدار زمین را داشته باشند چنین موشکهائی نه تنها علی الاصول توانائی حمل کلاهکهای اتمی بلکه توانائی آنها دارند که شعاع تیررس خود را افزایش داده و اهداف معینی را در اسرائیل، ممالک عربی، روسیه و اروپا هدف حملات خود قرار دهند. آیا از این احتمالات و یا امکانات که بهر صورت نمی توان نتایج آنها در عمل منکر شد می شود باین نتیجه رسید که ایران حق ساختن موشک و ماهواره و نظایر آنها را ندارد. مگر اتحادیه اروپا، چین، ژاپن، پاکستان، هندوستان، اسرائیل، کره شمالی، آمریکا و... تسلیحات موشکی ندارند؟ مطابق کدام قانون بین المللی کار آنها غیر قانونی است. مطابق کدام موافقتنامه جهانی ایران و یا ممالک "غیر متعهد" تعهد سپرده اند که در صنایع فضائی و موشکی تلاش نکنند؟ از کی تا بحال باید ساختن موشک و تسلط بر فضا نیز انحصاری شود؟ مگر در کارخانه فولاد و ذوب آهن ایران نمی توان "سندی" یافت که به استناد آن مدعی شد که در ایران ورقه های آهن و فولاد و یا آلیاژهای تولید می شود که از آن می توان در صنایع موشکی و فضائی و تسلیحاتی استفاده کرد؟ طبیعتا این قصه سر دراز دارد. آمریکائیها می گویند ایرانیها حق تحصیل در رشته هسته ای را ندارند. این یک نظر استعماری و ارتجاعی است و تنها ایرانیهای خود فروخته با آن موافقت. حزب ما این قطعنامه را همانند دو قطعنامه قبلی شورای امنیت غیر قانونی وزیر پاگردن تمامی موازین و مقررات ام. پی. تی ارزیابی میکند و آن را فاقد مشروعیت حقوقی می داند. این تحریم در دراز مدت همان سناریوی تغییر رژیم در عراق است که به دروغ رژیم صدام را همدست اوسامه بن لادن که گویا دارای بمب اتمی و میکروبی بود معرفی کرده و سرانجام به اشغال و قتل و غارت این کشور دست زدند. سیاست تحریم و تهدید نظامی در قبال ایران نتنها رژیم جمهوری اسلامی را تضعیف نمیکند بلکه دست رژیم نظامی امنیتی احمدی نژاد را نیز در تشدید خفقان سیاسی و سرکوب جنبش آزادیخواهان مردم ایران باز میگذارد.

تحریم اقتصادی علیه ایران اعلام جنگ علیه مردم ایران است. این مردم ایرانند که همانند مردم عراق به ورطه نابودی کشیده خواهند شد. در اثر همین تحریمهای شورای امنیت نزدیک به ۷۰۰ هزار کودک عراقی جان باختند. این یک قتل عمد است. این اعدام دسته جمعی خلقی است که نمی خواهد به زیر بار خفت استعمار برود. چنین اعدام دسته جمعی توسط کسانی صورت گرفته و یا میگیرد که در ظاهر موافق لغو اعدامند لیکن در عمل صد ها هزارتن را بیرحمانه و بصورت " مشروع و قانونی" اعدام میکنند. قطعنامه سوم شورای امنیت علیه ایران اقدامی ارتجاعی، ضد انسانی و امپریالیستی است و بشدت آن را محکوم میکنیم. حزب ما جریانات ارتجاعی اوپوزیسیون ایران و ناسیونال شونیستهای رنگارنگ را که مشوق تشدید تحریم های اقتصادی و تجاوز نظامی به ایران هستند را بشدت محکوم میکند و در افشای بی امان آنها دمی نخواهد آسود. حزب ما به افشای همه جریانات بی هویتی که در مقابل قطعنامه تحریم علیه ایران مودبانه سکوت پیشه کرده و در رویای ایفای نقش پارکابی امپریالیسم برای سرنگونی جمهوری اسلامی هستند دست خواهد زد و آرامشان نخواهد گذاشت.

حزب کار ایران (توفان)

اسفند ۱۳۸۷

محمود صالحی یکی از چهره‌های شناخته شده و فعال کارگری درسندج که به جرم برگزاری مراسم اول ماه مه، روز جهانی کارگر به زندان افتاد، قرار بود بازداشت وی در چهارم فروردین ماه ۸۷ پایان یابد. لیکن روز دوشنبه ۲۷ اسفند ایشان را به جرم ارتباط با خارج از زندان و پخش پیام های توهین آمیز به بازپرسی دادگستری سندج احضار کردند. محمود صالحی در اعتراض به این اقدام خود سرانه و ضد انسانی اعلام کرد تا آزادی از زندان دست به اعتصاب غذای خشک خواهد زد.

حزب ما این اقدام سرکوبگرانه، غیرقانونی و ضد بشری جمهوری اسلامی را بشدت محکوم میکند و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط محمود صالحی است. این کارگر مبارز هم اکنون در وضعیت جسمی وخیمی بسر می برد و رژیم جمهوری اسلامی مسئول هراتفاق ناگوار و جانی اومی باشد. در زیر اعلامیه کمیته دفاع از محمود صالحی را که در همین رابطه انتشار یافته است مشاهده میکنید:

اعلام اعتصاب غذای محمود صالحی

امروز دوشنبه ۱۳۸۶/۱۲/۲۷ محمود صالحی را از زندان به بازپرسی شعبه ۴ دادگستری سندج احضار کردند بعد از ساعتها انتظار، محمود را به جرم ارتباط با خارج از زندان و انتشار پیام های حمایت آمیز مانند، پیام به برگ زار کنندگان اعتصاب غذای ۷ روزه و اعلام پش نیبانی و حمایت از مبارزات دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب، برای ایشان قرار بازداشت موقت صادر کردند این درحالی است که ۱۳۸۷/۱/۴ مدت يك سال بازداشت وي پایان مي يابد و خانواده و همه دوستانش در انتظار رهایی وي از زندان بودند محمود به محض صدور این قرار بازداشت غیر قانونی در اعتراض به آن و همه تلاشهای حاکمان جهت در زندان نگهداشتن وی، اعلام کرد تا آزادی از زندان دست به اعتصاب غذای خشک خواهد زد.

محمود را يك سال به جرم برگزاری روز جهانی کارگر به بند کشاندند و علی رغم شدت وخامت وضعیت جسمانی، خلایق در اراده و عزم وی در پیکار علیه نابرابری و ستم ایجاد نکرد. محمود نیز یکی از فرزندان راه رهایی طبقه کارگر و زحمتکش جامعه است که با ضد من محکوم کردن این حکم غیر قانونی، خواهان آزادی بی قید و شرط و صلح در پایان مدت اسارت وی (روز ۱۳۸۷/۱/۴) هست تیم اعضای کمیته دفاع از محمود صالحی اعلام می کنیم در صورت عدم آزادی ایشان، هرگونه اقدام لازم و اعتراضی را تا آزادی و پیر دست تور کار خا واهیم گذاشت.

" کمیته دفاع از محمود صالحی "

۱۳۸۷/۱۲/۲۷

بخشی از مصاحبه با وکیل محمود صالحی، آقای محمد شریف در همین رابطه:

کمیته دفاع از محمود صالحی: آقای محمد شریف با سلام و تبریک سال نو، اخیرا برای آقای محمود صالحی قرار بازداشت موقت صادر کرده اند و ایشان نیز در اعتراض به این حکم، اعتصاب غذا کرده اند. لطف کنید در رابطه با قرار بازداشت موقت آقای محمود صالحی و همچنین وضعیت جسمانی ایشان توضیحاتی بدهید.

آقای محمد شریف: ... همانطور که قبلا از طریق سایر رسانه ها اعلام شده است، خاتمه محکومیت موکل بنده به زندان ابلاغ شد، اما علیرغم مذاکرات قبلی که قبل از سال نو صورت پذیرفت و موکل بنده بایستی پیش خانواده اش بر میگشت، متعاقبا با این ادعا که، ارسال پیام از طرف موکل بنده به خارج از زندان صورت گرفته، پرونده جدیدی مفتوح شد. در این خصوص همراه با همسر محترم موکل، به دادستانی رفتیم و با آنها صحبت کردیم اما نتیجه ای حاصل نشد.

در خصوص بیماری ایشان اقدامات متعددی صورت گرفته است، من تلاش کردم که با همسر موکل، ایشان را ببینم که از اعتصاب غذا خودداری کند و به همسرش توصیه کردم که وضعیت جسمانی ایشان پذیرای اعتصاب غذا نیست. موکل بنده، وضعیت جسمانی بحرانی ای دارند و هر زمان که روی صفحه تلفن همراه من، کد سندج نقش می بندد، بنده نگران میشم که خبر ناگواری را بشنوم. در حال حاضر هیچ کاری از دستم بر نمی آید و فقط نگران هستم.

من از مقامات قضائی، از فعالین حقوق بشر می خواهم که به فکر اعتصاب موکل باشند چون وضعیت جسمانی ایشان کاملا بحرانی است. چیزی که هست با کمال شرمندگی دست روی دست گذاشتم و در حال حاضر بنا به تعطیلات سال نو، کاری از دستم ساخته نیست.

آقای محمد شریف: من نسبت به وضعیت جسمانی موکل هشدار میدهم و از مقامات قضائی می خواهم که به فکر باشند و این موضوع را جدی بگیرند و با توجه به توصیه پزشکان و تائیدیه و خامت وضعیت جسمانی موکل و هشدارهای مکرر در این خصوص، من در صورت وقوع کوچکترین مشکل برای موکل، مقامات قضائی کردستان را مسئول قلمداد خواهم کرد از آنجا که وضع جسمانی موکل کاملا بحرانی است. با توجه به تلاشهای من در این خصوص، به من ابلاغ کرده اند که دارم جو سازی میکنم، لازم است عرض کنم که، کسانی که من را متهم به جو سازی میکنند را مسئول جان موکل میدانم. سوم فروردین ۱۳۸۷

گزارش مختصری از اعتراضات جهانی بمناسبت پنجمین سالگرد اشغال نظامی عراق

۵ سال اشغال، جنایت و خون ریزی ۵ سال مقاومت حماسه آفرین خلق قهرمان عراق



تظاهرات در استکهلم بمناسبت پنجمین سالگرد اشغال عراق
شعار محوری تظاهرات: خروج فوری ارتش آمریکا از عراق!

۲۰ مارس ۲۰۰۳ برابر با نخستین روز بهار ۱۳۸۲ شمسی، امپریالیسم آمریکا به رهبری جرج واکر بوش با جعل و دروغ و اشاره به سلاح موهومی کشتار جمعی در عراق و ارتباط صدام حسین با اوسامه بن لادن و تهدید امنیت منطقه و جهان از سوی رژیم بعث و با نقض تمامی موازین بین المللی، کشور مستقل عراق را تحت بمباران بربرمنشانه و فاشیستی خود قرارداد و بعد از چند هفته آن را به اشغال کامل خود در آورد. ماشین جنگی آمریکا تمام زیرساخت اقتصادی و تاسیسات این کشور از پل، جاده، کارخانه، بیمارستان، ساختار خدماتی، کتابخانه، آموزشگاهها، پمپ آب و نیروگاههای برق را... ویران ساخت و هزاران زن و مرد و کودک را به قتل رسانید. آمریکا به رغم همه ترور و جنایت و آدمکشی اما قادر نگردد بر اراده پولادین خلق عراق فائق آید و آن را درهم شکند. مردم عراق فریب تبلیغات دروغین و اغواگرانه بوش و بلر را نخوردند و یکپارچه درمقابل این اشغال راهزانه و استعماری ایستادند. جنبش مقاومت خلق عراق در طول پنج سال اخیر چنان قهرمانانه رزمید و دست به چنان نبرد افسانه ای زد که امپریالیسم آمریکا و متحدینش خوابش را هم نمی دیدند. خلقی کوچک اما مصمم و با اراده ای پولادین، قوی ترین ارتش جهان را به چالش گرفت، او را در انظار جهانیان بی اعتبار و بعنوان بیر کاغذی شکست داد. اکنون پس از پنج سال ارتش آمریکا هیچ کنترلی بر عراق ندارد و این امر دستگاه جانیکار بوش را با بحران عظیمی روبرو ساخته است. هزینه جنگی آمریکا و شمارتلافات سربازان آمریکایی هرروز روبه فزونی است. طبق آمار رسمی تاکنون ۳۹۷۰ از مزدوران آمریکایی کشته و بیش از ۳۰۰۰۰ تن مجروح شدند. هزینه جنگی آمریکا درسالهای ۲۰۰۳-۲۰۰۵ بطور متوسط ۹۳ میلیارد دلار درسال بود. درسال ۲۰۰۶ به ۱۲۰ میلیارد دلار و در سال ۲۰۰۷ به ۱۷۱ میلیارد دلار افزایش یافت. با پیشنهاد جرج بوش به کنگره آمریکا، هزینه جنگی درعراق درسال ۲۰۰۸ به ۱۹۳ میلیارد دلار رسید. ۵۳۰ میلیون دلار در روز. افزایش تلافات آمریکا همراه با افزایش هزینه سرسام آور جنگی موجب نارضایتی گسترده ای درجامعه آمریکا گردیده است. تظاهراتهای وسیع توده ای ضد جنگ در آمریکا از اعتراضات مادران و پدران سربازان کشته شده و مفقود شدگان گرفته تا والدین و بسته گان بیماران روانی ناشی از جنگ، معلولین جنگی، نظامیان بازنشسته و بازماندگان جنگ ویتنام تا نیروهای ترقی خواه و انقلابی هرروز روبه گسترش و ترقی است و رادیکال تر میشوند. امروز دیگر دروغهای بوش برکسی پنهان نیست. در اثر ضربات پی درپی جنبش مقاومت خلقهای عراق و افغانستان بر پیکر فرتوت امپریالیسم، بحران اقتصادی آمریکا شدت یافته و توان نظامی و مالی اش را تضعیف کرده است. جنبش مقاومت عراق درخالد پنج سال نبرد آنها درمقابل غول پیکرترین ارتش جهان و ۳۳ کشور هم پیمان، تحسین برانگیز است. خلقی با اتکا به نیروی خویش، بدون دریافت کمک مالی و نظامی ازکشوری، پوزه ابرقدرت آمریکا را به خاک مالید و وی را در راه اهداف استراتژیکش اش در خاورمیانه و جهان، تجاوز به ایران، سوریه، کویت، کره شمالی، کشورهای آمریکای لاتین... با شکست روبروساخت. خلق ایران و سایر خلقهای جهان مدیون نبردقهرمانانه خلق عراقند. اگر چنین مقاومت عظیمی درعراق صورت نمی گرفت امروز ما شاهد اشغالهای مشابهی بوده ایم. از این

جهت دفاع از جنبش مقاومت عراق وظیفه انترناسیونالیستی همه کمونیستها و تمامی نیروهای ترقی خواه ، ضد امپریالیست و بشر دوست می باشد.



صحنه ای از تظاهرات پر شکوه ضد جنگ در آمریکا
شعار محوری تظاهرات: خروج فوری ارتش آمریکا از عراق!

امسال بمناسبت پنجمین سالگرد اشغال عراق، در سراسر جهان تظاهرات و میتینگهای با شکوهی از ۱۵ تا ۲۲ مارس علیه امپریالیسم آمریکا و متحدینش انجام گرفت. شعار محوری این اعتراضات خروج فوری و بی قید و شرط آمریکا از عراق بود. در کنار این شعار محوری شعارهای دفاع از خلق افغانستان و خروج قوای متجاوز از این کشور، دفاع از خلق لبنان علیه تجاوز صهیونیستی و توطئه امپریالیستی، دفاع از پیکار برحق خلق فلسطین و محکوم کردن رژیم صهیونیستی اسرائیل، محکوم کردن هرگونه تجاوز احتمالی به ایران... و به چشم میخورد.

در آمریکا به مناسبت پنجمین سالگرد اشغال عراق در چهارشنبه ۱۹ مارس دهها هزار نفر در شهرهای ، واشنگتن، لوس آنجلس، نیویورک، سانفرانسیسکو، برکلی... با شعار جنگ را متوقف کنید! سربازان را به خانه بازگردانید! به خیابانها آمدند و تف و لعنت نثار بوش و دارودسته کثیف و جنایتکارش کردند. تظاهر کنندگان دروغهای گویلیزی و مسخره بوش در مورد پیروزی و ثبات در عراق را به ریشخند گرفتند و جنایتهای آمریکا و متحدینش را در عراق و افغانستان بشدت محکوم کردند.

در لندن قریب به ۴۰ هزار نفر به خیابان آمدند و خواست محاکمه تونی بلر و گوردن براون را به عنوان جنایتکاران جنگی فریاد زدند. در صفوف طویل تظاهرات، باندلرها و پلاکارهایی با شعارهای خروج فوری نیروهای متجاوز از عراق و افغانستان ، محکوم کردن بمباران لبنان و فلسطین و مخالفت با هرگونه تجاوز نظامی به ایران ... حمل می شد.

در پاریس تظاهرات بزرگ و باشکوهی بمناسبت پنجمین سالگرد اشغال عراق متشکل از نیروهای مترقی ضد جنگ و ضد اشغال برگزار گردید و تظاهر کنندگان خواست فوری خروج ارتش آمریکا از عراق را فریاد زدند.

در گلاسکو ، مادرید و بارسلون نیز هزاران نفر به میدان آمدند و با محکوم کردن تجاوز آمریکا به عراق خواهان خروج نیروهای متجاوز اراخاک عراق و افغانستان شدند.

در سوئد در چندین شهر بزرگ تظاهراتهای باشکوهی علیه اشغال عراق، و با خواست خروج فوری آمریکا از عراق ، افغانستان و در دفاع از جنبش برحق خلق فلسطین انجام گرفت. در استکهلم و گوتنبرگ بیش از دوهزار نفر در تظاهرات شرکت داشتند.

در توکیو، تورنتو، روسیه، سوریه، آرژانتین، مکزیک، مصر، استرالیا و بسیاری کشورهای دیگر تظاهراتهای مشابهی بمناسبت پنجمین سالگرد اشغال عراق و علیه تجاوز امپریالیسم آمریکا و در دفاع از خلقهای عراق، افغانستان، فلسطین و لبنان انجام گرفت .

اعضاء و هواداران حزب ما نیز همراه با هزاران نفر از مبارزین ضد جنگ و ضد امپریالیست در این تظاهراتها شرکت داشتند و با پخش اعلامیه به زبانهای مختلف و برجسته کردن خواست فوری و بی قید و شرط ارتش متجاوز آمریکا از عراق و افغانستان، دفاع از خلق فلسطین و لبنان و محکوم کردن هرگونه تجاوز نظامی به ایران و محکوم کردن تحریمهای اقتصادی... همبستگی عمیق خود را نسبت خلقها ابراز داشته و از هیچ کمکی در برپایی این اعتراضات جهانی ضد جنگ دریغ نداشته است. باشد تا تمامی نیروهای ایرانی که از تجاوز نظامی آمریکا به عراق و افغانستان آموخته اند و نمی خواهند به عنوان چلیبی ها و حامد کرزای ها به آلت دست و نوکر امپریالیسم آمریکا تبدیل شوند به صفوف این جنبش عظیم جهانی ضد جنگ بپیوندند و سهم خویش را در پیکار ضد امپریالیستی و تجاوزکارانه و احترام به تساوی حقوق ملل و حق تعیین سرنوشت خلقها به دست خویش ادا نمایند.

خروج فوری و بی قید و شرط آمریکا و تمامی نیروهای متجاوز از عراق!
زنده باد پیکار عادلانه خلقهای عراق، افغانستان، لبنان و فلسطین علیه امپریالیسم و صهیونیسم!
دست امپریالیسم آمریکا از ایران و منطقه کوتاه باد!

آغاز فروپاشی سوسیالیسم در شوروی (۵)

یک بازنگری مجدد

بروز رویزیونیسم معاصر در اشکال ترزهای مسالمت آمیزها
(همزیستی مسالمت آمیز، گذار مسالمت آمیز، مسابقه مسالمت آمیز)

۳ - مسابقه مسالمت آمیز

مسابقه مسالمت آمیز یکی دیگر از سه تز مسالمت آمیز خروشچف بود. بر اساس این نظریه نظامهای مختلف اجتماعی نظیر نظام سوسیالیستی با نظام سرمایه داری به مسابقه و رقابت می پردازند. هر کس سعی می کند بهتر تولید کرده و بیشتر پیشرفت نماید و در عرصه اقتصادی بر نظام دیگر پیشی گیرد. این موفقیت از دو جنبه اهمیت می یابد یکی اینکه خود دولتمردان سرمایه داری می بینند که چگونه سوسیالیسم به پیش می تازد و از یک پیروزی به پیروزی دیگری دست می یابد و دیگر اینکه خلقهای جهان و پرولتاریای این کشورها به قضاوت می نشینند، دو نظام اقتصادی را با هم مقایسه می کنند، از کامیابیهای سوسیالیسم با خبر می شوند و آنوقت به حقانیت سوسیالیسم پی می برند. بهمین سادگی! احمقانه! البته برای قریب توده های مردم آنها گفتند:

"سیستم جهانی سوسیالیستی در مسابقه اقتصادی با سرمایه داری با گامهای استوار بسوی پیروزی قطعی می رود. این سیستم در آینده ای نزدیک تفوق خود را بر سیستم جهانی سرمایه داری از لحاظ حجم کل تولید صنعتی و کشاورزی تامین خواهد نمود." (برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی مصوب بیست و دومین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی ۳۱ اکتبر سال ۱۹۶۱).

خنده موقوف! بر این دروغ و فریبکاری بزرگ رویزیونیستها که کارشان به روی کار آمدن یلتسین کشید و در آینده نزدیک تفوق سیستمشان را به مردم جهان نشان دادند چه می توان افزود جز اینکه با پیروزی پرولتاریا در اتحاد شوروی نه تنها مبارزه طبقاتی تضعیف نشده بلکه تشدید هم شده است. سیر تاریخ نظریات مارکسیست-لنینیستها را به اثبات رسانده است.

بنظر رویزیونیستها دیگر انقلاب اجتماعی لازم نیست، مبارزه طبقاتی که یک مبارزه سیاسی برای کسب قدرت سیاسی است زائد شده است و مشکل کار در این بوده که مروج فرصت کافی نداشته اند تا از کامیابیهای سوسیالیسم با خبر شوند و حق را به جانب سوسیالیسم بدهند و دسته دسته به سوسیالیسم روی آورند. سخن بر سر نفی این اصل اساسی بیانیه حزب کمونیست است که در آن مارکس و انگلس بصراحت می گویند که تاریخ بشریت تاریخ مبارزه طبقاتی است. مارکسیسم به ما می آموزد که این توده ها، خلقهای جهان هستند که سازندگان واقعی تاریخ اند و این سازندگی و تکامل از بستری از مبارزه طبقاتی میگذرد.

از نظر رویزیونیستها برای نیل به سوسیالیسم جایی برای مبارزه خلقهای نیست، آنها شرکت فعالی در این مبارزه ندارند و نمی توانند داشته باشند. از قبل جای آنها بعنوان نظاره گر و داور که سرانجام حق را به حق دار برسانند تعیین شده است. بنظر رویزیونیستها تاریخ نیل به سوسیالیسم از ارائه حقانیت اقتصادی شوروی ساخته می گردد، یعنی آنکه مبارزه در امر تولید و اقتصاد موتور پیروزی سوسیالیسم است. اینکه امپریالیستها انبارهای خود را از اسلحه پر می کنند و به کودتا در سراسر جهان مشغولند و از تحریکات و دخالتها در امور داخلی سایر ممالک دست بر نمی دارند و جنبشهای آزادیبخش را به خاک و خون می کشند حتما نشانه دیوانگی آنهاست زیرا اگر این مخارج سرسام آور را در تولید بکار گیرند چه بسا که در این رقابت پیروز شوند و سوسیالیسم نوع خروشچف روی دست خروشچف بماند. اگر قرار بود مردم جهان بر واقعیت مبارزه طبقاتی که هر روز با آن درگیرند چشم پوشیده و به ترهات خروشچف گوش فرا دهند که باید از سالها قبل بدنبال پیروزی امپریالیستها و نظام سرمایه داری تولید می رفتند زیرا که اقتصاد آنها پس از جنگ بسیار شکوفا بوده و به ارتقاء سطح زندگی مردمشان منجر شده بود. تز مسابقه مسالمت آمیز حکم این را دارد که بگوئیم اگر همه مردم جهان به حقانیت سوسیالیسم پی ببرند جهان نور در نور است. پس باید به کار فرهنگی پرداخت و تک تک انسانها را به حقانیت سوسیالیسم واقف کرد. چنین تصاویری از جهان ساختن، تصاویر واژگونه و غیر طبقاتی است. با واقعیت در تناقض کامل است با بی عملی توده ها میدان برای غارت و استثمار نیروهای مرتجع باز میگذرد.

مسابقه مسالمت آمیز جنبه فرعی دو نظریه غیر طبقاتی همزیستی مسالمت آمیز و گذار مسالمت آمیز است. رویزیونیستها می گفتند: "همزیستی مسالمت آمیز بنیاد مسابقه مسالمت آمیز بین سوسیالیسم و سرمایه داری در مقیاس بین المللی را تشکیل می دهد و شکل ویژه ای از مبارزه طبقاتی بین این دو سیستم است. کشورهای سوسیالیستی با تعقیب پیگیر مشی همزیستی مسالمت آمیز می کوشند تا مواضع سیستم سوسیالیستی جهانی را در مسابقه این سیستم با سرمایه داری بطور مستمر تقویت نمایند. در شرایط همزیستی مسالمت آمیز امکانات مساعدتری برای مبارزه طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری پدید می آید و مبارزه ملل کشورهای مستعمره و وابسته در راه رهایی خویش تسهیل می گردد. پشتیبانی از اصل همزیستی مسالمت آمیز با منافع آن بخش بورژوازی هم که می فهمد جنگ هسته ای هیدروژنی به طبقات حاکمه جامعه سرمایه داری نیز رحم نخواهد کرد مطابقت دارد. سیاست همزیستی مسالمت آمیز با منافع حیاتی تمامی جامعه بشری باستانی سلسله جنبانان انحصارهای بزرگ و میلیتاریستها مطابقت دارد." (برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی مصوب بیست و دومین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی ۳۱ اکتبر سال ۱۹۶۱).

این شکل ویژه "مبارزه طبقاتی" که از آن یاد می شود، دارای این خاصیت است که مبارزه بین طبقات را در دوران بمب هیدروژنی به مبارزه بین بشریت و چند تا میلیتاریست و سلسله جنبانان انحصارهای بزرگ منحصر می سازد. این مسلما تصویر واقعی جهان نبوده و نیست. تحریف وضعیت سیاسی جهان و نفی مبارزه طبقاتی و نفی مارکسیسم-لنینیسم است. تکیه بر اینکه این

مبارزه شکل ویژه ای از مبارزه طبقاتیست فقط برای فریب افکار کمونیستها و مشوب کردن ذهن آنها بود و گر نه روشن است که مبارزه اقتصادی جای مبارزه سیاسی را نمی گیرد. روشن است که تکیه بر عامل اقتصادی به مفهوم نفی مبارزه طبقاتی پرولتاریا و بر علیه سرمایه و خلقهای جهان بر ضد امپریالیستها بود. اگر کار جهان با مسابقه اقتصادی سامان می گرفت که دیگر چه نیازی به حزب، مبارزه قهر آمیز، دیکتاتوری پرولتاریا و اساسا مارکسیسم-لنینیسم است. نکته نا روشن تاریخ گویا در این نهفته بوده که کسی تاکنون باین کشف عظیم نایل نشده بوده است. نظریه مسابقه مسالمت آمیز نفی کامل مبارزه طبقاتی، آرایش امپریالیسم و سرمایه داری، بی ضرر جلوه دادن آنها و خلع سلاح معنوی پرولتاریا بود تا آمادگی رزمی خود را در مبارزه با این موانع تاریخ از دست بدهد.

رفقای چینی که در اوایل کار فریب خروشچف را خوردند و به نگارش مقالاتی در تائید تره‌های وی برآمدند. از جمله آوردند:

ما به برتری های نظام سوسیالیستی اطمینان داریم و از انجام مسابقه مسالمت آمیز با کشورهای سرمایه داری نمی ترسیم. (از گزارش لیوشائوچی در نخستین دوره اجلاس کنگره هشتم حزب کمونیست چین، سپتامبر ۱۹۵۶)

"همزیستی مسالمت آمیز و مسابقه مسالمت آمیز هم اکنون سمت تحول اوضاع و احوال بین المللی گردیده است. هر کسی که با روند زمان مخالفت ورزد در مقابل تاریخ محکوم است." (از مقاله ئویچائولی "مسابقه مسالمت آمیز سمت تحول وضع بین المللی است"، مجله خونتیسی، سال ۱۹۵۹، شماره ۱۶)

گرچه رفقای چینی از این نظریات برگشتند ولی رویونیستها از این نظریات برای تایید صحت نظریات خود حمایت کردند این است که می توان با راحتی کامل وجدان این نظریات را نیز نظریات آقای خروشچف و دوستانش نامید.

همانطور که گفتیم رفقای چینی با ادامه سیاست روسها پی بردند که سخنان مزورانه آنها در مورد پرولتاریا، انقلاب، مبارزه قهر آمیز، مبارزه آزادیبخش و تکیه بر مارکسیسم-لنینیسم تنها برای پوشانیدن اهداف رویونیستی و فریبکاری آنهاست، این بود که خود به مبارزه با آن پرداختند و نوشتند:

"کسانی که فکر می کنند که میتوان با امپریالیستها بتوافق رسید و می توان همزیستی مسالمت آمیز را تامین کرد فقط خود را تحمیق می کنند." (از نطق لئونین ای در جلسه شورای صلح، استکهلم، دسامبر سال ۱۹۶۱)

و یا

"آنان (منظور طرفداران همزیستی مسالمت آمیز است- توفان) به همزیستی مسالمت آمیز به مثابه نوعی الهام خدائی می نگرند که همه چیز را در بر می گیرد و مقدس است، و همه موفقیتهای مبارزه ی خلقهای جهان، همه دستاوردهای آنها را به حساب همزیستی مسالمت آمیز می گذارند" (از نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین مورخ ۱۴ ژوئن سال ۱۹۶۳).

و ادامه دادند که :

"بعضی ها نقش همزیستی مسالمت آمیز کشورهای سوسیالیستی و امپریالیستی را بطور یک جانبه بزرگ کرده و میکوشند آنها جانشین مبارزه انقلابی همه خلقهای و ملت‌های ستمدیده نمایند. از مواظ آنها چنین بر می آید که گوئی امپریالیسم در چنین مسابقه مسالمت آمیز خود بخود فرو خواهد ریخت و خلقهای و ملت‌های ستمدیده تنها باید ساکت و آرام منتظر آن روز باشند" (از نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین مورخ ۱۴ ژوئن سال ۱۹۶۳).

و ما می بینیم که رفقای چینی در آن زمان تا چه حد محق بودند. رویونیستها می خواستند سوسیالیسم را نابود کنند از حمایت از مبارزات طبقه کارگر جهانی و جنبشهای آزادیبخش دست بردارند و القاء کنند که کار امپریالیستها با زبان خوش و مسالمت و مسابقه ساخته خواهد شد. فقط باید قادر بود خوب سر آنها را گرم کرد و با نوازششان کلاه بزرگی بر سرشان کرد و هندوانه زیر بغلشان گذاشت آنوقت خودشان مانند برف آب می شوند و دنیای کمونیسم بکام همه خوش خواهد شد.

رفقای چینی نوشتند:

"آنها می کوشند مشی همزیستی مسالمت آمیز، مسابقه مسالمت آمیز و گذار مسالمت آمیز را جانشین مبارزه طبقاتی، انقلاب ملی، انقلاب پرولتاریا نمایند" (از نطق لیوشائوچی در میتینگ پخیان، ۱۸ سپتامبر سال ۱۹۶۳).

امروز ۳۶ سال از آن تاریخ می گذرد و ما با فاجعه عظیمی که رویونیستها بوجود آورده اند روبرو هستیم. اگر بشود جایزه بزرگترین خیانت تاریخ را به کسی داد آنها حتما رویونیستها دریافت خواهند کرد. حزب توده ایران در این خیانت سهیم است، آنها با پذیرش نظریات رویونیستی خروشچف و مبارزه با مارکسیست-لنینیستها و حمایت از حرکت‌های انحرافی در ایران و نوکری روسها سرانجام از پشت به جنبش مردم ایران خنجر خیانت خود را کوبیدند. حزب توده ایران و زانده هایش نظیر سازمان فدائیان اکثریت مسئولیت تمام جنایت جمهوری اسلامی را بدوش می کشند. از رویونیسم چیزی جز خیانت نمی تواند به بیرون بترآود. ادامه دارد.

زنده باد لنینیسم، تنوری و تاکتیک پرولتاریا در عصر امپریالیسم!

اوضاع وخیم معیشتی و رشد و گسترش اعتراضات کارگری



امضاء، تجمع در داخل و خارج کارخانه و در مقابل مجلس، وزارتخانه، خانه کارگر، شهرداری... دست به مبارزه زده و از زندان، شلاق و بگیر و ببندهای جمهوری اسلامی نمی هراسند. اعتصابات قهرمانانه چند ماهه اخیر کارگران بویژه کارگران نیشکر هفت تپه و شرکت واحد... نشان از رشد و پیشروی کارگران دارد و این مبارزات از محدوده داخلی خارج گشته و حتا از حمایت و همبستگی کارگران جهان برخوردار گشته اند. اعتصاب ۱۱ روزه کارگران هفت تپه در مهرماه سال گذشته وودار کردن کارفرما به پرداخت حقوق معوقه حتا اگر یک پیروزی ولو جزئی و محدود برای کارگران بوده باشد لیکن این امر بر اعتماد بنفس، روحیه تعرضی و تشکل یابی کارگران می افزاید. موفقیت هایی که در کارمبارزه بدست می آید، حاکی از توانایی روز افزون کارگران و ناتوانی رژیم سرمایه داری است و این عدم توازن همواره بیشتر بسود کارگران خواهد چربید. در ادامه این مبارزات، ۲۵۰۰ تن از کارگران هفت تپه برای دریافت دو ماه حقوق عقب مانده و پاداش های خود در روز پنجشنبه ۱۶ اسفند در مقابل دفتر مدیریت تجمع کرده و دست به اعتراض و اعتصاب زدند و پس از چهار روز و با به کرسی نشاندن مطالبات خود به اعتصاب پایان دادند. لیکن مجدداً بخاطر دبه درآوردن کارفرما و عدم پایبندی مدیران شرکت به وعده های خود روز یکشنبه ۲۵ اسفند بیش از ۱۵۰۰ نفر از کارگران مقابل درب مدیریت دست به اعتراض زدند... تداوم و پیگیری و مصمم بودن کارگران هفت تپه تحسین برانگیز است و الهامبخش سایر کارگران خواهد بود.

هشت روز اعتصاب کارگران بیش از ۵ واحد بزرگ تولیدی و صنعتی استان قزوین در اسفند ماه سال گذشته در مقابل استانداری، در اعتراض به عدم دریافت ۲ تا ۱۰ ماه حقوق پرداخت نشده و تجمع بیش از ۴۰۰ نفر در مقابل بانک رفاه و فرمانداری، پیکار متشکل کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی برای آزادی رهبران سندیکا و در دفاع از حق ایجاد اتحادیه مستقل و اضافه دستمزد و حقوق پرداخت نشده... همه نشان از پیشروی مبارزات قهرمانانه کارگران دارد و رژیم را سخت به تکاپو انداخته است. حزب کار ایران (توفان) از پیکار عادلانه طبقه کارگر ایران با دهها سال تجربه انقلابی و سندیکایی عمیقاً حمایت کرده و خواسته های آنها را برحق و انسانی می داند. ما معتقدیم که که تنها اتحاد طبقاتی و تشکل این طبقه است که شرط نخست سایر موفقیت های وی بشمار می رود. چاره کارگران حزب طبقه کارگراست که به دانش مارکسیسم لنینیسم مسلح باشد و باید از این طریق فقط از این طریق منطقی و طبقاتی، مرگ نظام فئودال و نکتبنا سرمایه داری وحشی را فراهم آورند. زنده باد پیکار خستگی ناپذیر طبقه کارگر قهرمان ایران! مرگ بر رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!

کارگران ایران که خود نیروی خلق کننده ثروت اجتماعی هستند در وضع رقت باری زندگی میگذرانند و با وجود گرانی کم نظیر مایحتاج اولیه زندگی، مزد ناچیزی دریافت می دارند و کارفرمایان از پرداخت همین مزد ناچیز دریغ می ورزند و ماهها طول میکشد تا حقوق کارگران را بپردازند. بقول سخنگوی اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار جعفر عظیم زاده، مصاحبه با رادیو دویچه وله (آلمان) اسفند ۱۳۸۶: "ظرف سی سال گذشته طبقه کارگر ایران، هر سال به نسبت سال گذشته، بی حقوق تر شده است. بویژه طی دهسال گذشته قراردادهای دائمی تماماً به قراردادهای موقت تبدیل شده اند، به طوری که الان ۷۰ الی ۸۰ درصد کارگران در ایران به صورت قرارداد موقت کار می کنند. کارگر قرارداد سفید را امضا می کند، بعد کارفرما هر بلایی خواهد بعداً سر او بیاورد، وارد می کند. قبلاً قراردادهای مثلاً ۶ ماهه و یکساله بود، ولی الان دیگر قرارداد به صورت یکماهه و حداکثر دوماهه است. طی سی سال گذشته دستمزدها بشدت افت کرده اند، حقوق کارگری، حتا کفاف اجاره خانه یک خانواده ۴ نفره را بویژه در مراکز استانها نمی کند. الان مثلاً فعالین شوراهای اسلامی اعلام کرده اند که در شهر صنعتی قزوین، اجاره خانه ماهی ۲۲۰ هزار تومان است در حالیکه امسال حداقل دستمزد را ۲۱۹ هزار تومان تصویب کرده اند. طبقه بندی مشاغل عملاً در این سالها انجام نگرفته و ما همین الان عضوی در اتحادیه داریم که با ۲۳ سال سابقه کار، کل دریافتی اشز ۲۳۰ هزار تومان است. اینطور هم نیست که مزایای دیگر باشد که حقوق کارگر، در نهایت ۵۰۰ یا ۷۰۰ هزار تومان بشود..."

البته اوضاع اقتصادی بقدری بحرانی و فقرو تنگدستی به اندازه ای رشد کرده است که می توان آمارهای ژرفش شکاف طبقاتی را به سادگی از لابلای مطبوعات خود جمهوری اسلامی و بانک مرکزی بیرون کشید و بی به شرایط دهشتناک مزدبگیران بویژه کارگران و سایر حقوق بگیران زحمتکش برد. اکنون دیگر وارد به استخوان رسیده است و کارگران به وعده ها و دروغهای رژیم جمهوری اسلامی امید نمی بندند و برای افزایش دستمزد و بهبود زندگی با قدرت و قاطعیت بیشتری به اعتصاب دست می زنند و میکوشند مطالبات خود را به کرسی بنشانند. سرمایه داران که منافعشان در وجود حکومت جمهوری اسلامی تامین میگردد از پرداخت دستمزد کارگران خودداری میکنند و کارگران را مورد تحقیر قرار داده و حقوق آنان و خانواده آنان را پایمال می کنند. سرمایه داران گردن کلفت با نپرداختن دستمزد کارگران در حقیقت مال آنها را می دزدند و مامورین قدرت سیاسی بجای اینکه دزد را بگیرند قربانی دزدی را به اسارت می گیرند و از وی می خواهند که به دزدها اعتراضی نکنند و مجانی برای دزدان کار کنند. این است آن مذهبی که حکومت بمثابه افیون توده ها از آن سود می جوید تا سرمایه داران را در کف حمایت خود بگیرد. ولی کارگران از مبارزه برای حقوق خود باز نمی ایستند. آنها به اشکال مختلف نظیر مسدود کردن جاده ها، تحصن، اعتصاب، راهپیمایی، تظاهرات، انتشار اعلامیه و جمع آوری

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!